روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۹ بهمن ۱۳۹۶ • ۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ • ۲۹ ژانویه ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۷۳ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۷:۴۸ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۰ • طلوع آفتاب ۷:۰۶

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

حرف درشت

برف‌سکوت‌راشکست

پوریا عالمی

● خیلی از مردم تلفنا، اس‌ام‌اسا، فکسا، ایمیلا، دودا (دود سفید)، اینستاگراما، توییترا، فیس‌بوکا و کامنتا با ما تماس گرفتند و ابراز نگرانی کردند که سرنوشت «لیست امید» که در انتخابات مجلس بهش رأی دادند چی شد؟ هم‌زمان مردم با انتشار آگهی‌هایی با عنوان «گمشده» خبر از گم‌شدن نمایندگان خود داده‌اند. خوشبختانه جای نگرانی نیست و طبق اخبار موثقی که ما داریم، دیروز آقای رئیس و برخی نمایندگان در برف گیر کرده بودند که همین امر سبب شد بر طبل دادخواهی بکوبند و از وضعیت امور جاریه مملکت «گله جدی» کنند. رئیس که در برف گیر کرده و از نزدیک با مشکلات مردم مواجه شده بود، به خبرنگار فارس گفت: «تأسف می‌خورم از اقدامات شهرداری و استانداری که برای بارش متوسط برف، شهر به این وضع درآمده است». وی که تأسف می‌خورد و داشت ماشینش را هل می‌داد، گفت: «متأسفانه اتوبان‌های پایتخت و اتوبان‌های تهران - قم و تهران - کرج بعد از بارش برف وضعیت نابسامانی پیدا کردند». وی گفت با این اوصاف ما امشب دیرتر می‌رسیم خانه و این جای تأسف دارد. ایشان گفت: «ضمنا گله جدی داریم که چرا شهرداری آمادگی نداشت».

او که گله جدی داشت، گفت: «از شب گذشته تاکنون تعداد زیادی درخت بر اثر سنگینی بارش برف شکسته که نشان می‌دهد عوامل شهرداری اقدام به برف‌روبی از درخت‌ها نکرده‌اند». ایشان همچنین گفت: «شن‌پاشی در کوچه و خیابان‌های فرعی نیز به شکل مطلوب انجام نشده است».

رئیس که داشت شن می‌پاشید کف خیابان و اعصابش خُرد بود، گفت: «به‌طور جدی موضوع را پی‌گیری می‌کنیم تا ببینیم چرا شهر بعد از بارش برف فلج شد». نمایندگان گفتند ما همیشه معتقدیم سکوت، سرشار از ناگفته‌هاست و معتقدیم آدم اگر سکوت کند، خود طرف متوجه کارش می‌شود و کارش را اصلاح می‌کند، اما سکوت هم حدی دارد. ما قول داده بودیم تا شرایط واقعا سخت نشود سکوتمان را نشکنیم، اما می‌بینید که ما هرچی سکوت می‌کنیم، برف می‌بارد و مردم هم دارند برف‌بازی می‌کنند، آن هم درحالی‌که ما توی ترافیک گیر کرده‌ایم و دیر به خانه می‌رسیم. واقعا تا کی ما می‌توانیم به دلیل عملکرد مسئولان دیر به خانه برسیم؟ لااقل خب کوچه ما را شن می‌پاشیدید.

پیش‌بینی می‌شود دفعه بعد با برف سال آینده سکوت این نمایندگان بشکند.

کارتون خواب

سهیل محمدی

رئیس سازمان میراث فرهنگی: بودجه ما حتی کفاف نگهداری از آثار تاریخی را نمی دهد.

سلام به فردا

مردم باید برای مدیریت بحران توانمند شوند

سیدحسن موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

یکی از انتظاراتی که مردم از مدیریت شهری دارند، ارائه خدمات مناسب در عرصه‌های مرتبط با حوزه شهری و به‌ویژه در شرایطی است که اتفاقاتی رخ می‌دهد که از آنها با عنوان بحران یاد می‌کنیم. بخشی از بحران‌ها ناشی از حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و توفان است که در کشور ما با توجه به تصویب قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران و تشکیل این سازمان، مدیریت این کار در کلان‌شهر تهران بر عهده شهرداری است برخلاف سایر استان‌ها که فرمانداری و استانداری و خود اداره کل مدیریت بحران درگیر آن هستند؛ در تهران مسئولیت آن به شهرداری سپرده شده است، به دلیل آنکه ظرفیت‌هایی که شهرداری برای اعمال مدیریت در این حوزه دارد، به‌مراتب بیشتر از دیگران است. به‌نظرم این تصمیم درستی بود. به همین دلیل سازمان مدیریت بحران در شهرداری شکل گرفته است. طبیعتا انتظار مردم این است که اگر بحرانی اتفاق می‌افتد، مدیریت شهری بتواند در کوتاه‌ترین زمان ممکن اعمال مدیریت صحیح داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که بحران حادتر نشود و در زمانی کوتاه‌تر مدیریت شود و عوارض کمتری برای مردم داشته باشد و بازتوانی و خروج از آن مرحله بحران هم با کیفیت بهتری انجام شود. بخش دیگر، بحران‌هایی است از آن نوع که به‌ویژه در تهران در زمان بارش باران، سیل می‌گیرد یا با باریدن برف، همه‌جا بسته می‌شود؛ با وجود آنکه معمولا هواشناسی از قبل هشدارهایی می‌دهد و اعلام می‌کند وقوع این نوع حوادث مانند سیل یا برف اجتناب‌ناپذیر است و احتمالش خیلی بالاست. در این شرایط انتظار می‌رود که حوزه مدیریت شهری به‌گونه‌ای عمل کند که سرعت عمل داشته باشد و آمدن برف یا باران شدید خلل جدی در کارها و تردد ایجاد نکند. این نکته محدود به اتفاقات شب گذشته و امروز نیست. در دوره‌های قبل هم مدیریت بحران عقب‌تر از این شرایط بوده است؛ امری که ممکن است نارضایتی ایجاد کند و اعتماد مردم به مدیریت شهری برای اعمال مدیریت بحران را ضعیف کند. نمونه‌اش حادثه ساختمان پلاسکو بود. پلاسکو در تهران نمونه‌ای از اعمال مدیریت بحران بود که الان که یک سال از آن زمان گذشته، نارضایتی از چگونگی مدیریت حادثه پلاسکو همچنان در جامعه وجود دارد. فراموش نکنیم که مدیریت شهری بدون جلب اعتماد و رضایت مردم، امکان جلب مشارکت مردم برای اعمال هوشمندانه‌تر مدیریت شهری در حوزه‌های مختلف را ندارد. انتظار این است که در این حوزه شهرداری و شورای شهر هم تصمیم‌های سیاست‌گذاری مناسبی اتخاذ کنند و هم برنامه‌های اجرائی مناسبی داشته باشند تا رضایت بیشتر مردم را با ارائه خدمات به‌موقع به‌ویژه در شرایط بحران جلب کنند. اگر مدیریت شهری بتواند بستری را فراهم کند که مردم در محلات این توانمندی‌ها را به‌دست آورند، کمک می‌کند که در چنین شرایطی مردم هم کنار مدیران و مسئولان شهری باشند، وابستگی کمتر به حضور مسئولان مدیریت شهری داشته باشند و خود بتوانند برای اعمال بهتر مدیریت بحران در چارچوب سیاست‌های مدیریت شهری مشارکت کنند. تقویت این ظرفیت و توانمندسازی مردم در این عرصه می‌تواند بسیار ماندگار باشد. اگر بحرانی اتفاق بیفتد و با تمام تلاش آن را مدیریت کنیم، باز هم در بحران دیگر باید به همین میزان انرژی بگذاریم، اما اگر مردم را تقویت و توانمند کنیم، هر زمان که بحرانی ایجاد شود، این توانمندی مردم به کار خواهد آمد و به صرفه‌جویی در زمان و هزینه و نیروی انسانی کمک خواهد کرد تا مدیریت شهری از این ظرفیت مردمی استفاده کند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن مدیریت بهینه را به عمل بیاورد.

آکادمی

CTE، مدلی برای تشنجات در مغز و جامعه!

بابک زمانی
رئیس انجمن سکته مغزی

مقصود از این عنوان عبارت است از بروز تدریجی یک بیماری مغزی پیش‌رونده به دلیل ضربات متعدد مغزی. بیش از نیمی از مشت‌زنان همین الان به این بیماری مبتلا هستند، اما آنچه به این بحث اهمیت زیادی می‌بخشد، شیوع آن در میان جوانان فوتبالیست آمریکایی است که برخلاف همه‌جای دنیا، به‌جای پا، سر را نشانه می‌گیرند. مطالعات اخیر نشان داده است که اکثریت این نوجوانان به درجات مختلف به این بیماری مبتلا می‌شوند و این روی فعالیت‌های ذهنی و حتی رفتاری و شخصیتی ایشان تأثیر می‌گذارد. نکته مهم اینکه توقف این ورزش اگرچه ممکن است از شدت پیشرفت بیماری بکاهد، ولی علائم کاملا برگشت‌پذیر نیستند. انجمن مغز و اعصاب آمریکا این روزها هزینه‌های زیادی را صرف تحقیق در مورد عوارض این بیماری و همچنین برگزاری کمپین‌هایی برای منع بوکس و فوتبال آمریکایی می‌کند. ضربه مغزی‌ای که در این روند مزمن تأثیر می‌گذارد، لازم نیست همواره شدید باشد یا به شکل نافذ باعث شکستگی جمجمه شود. عامل اصلی ضربه، تکان ناگهانی سر با سرعت زیاد است که حرکات میکروسکوپی درون نورون‌ها را برای لحظه‌ای متوقف می‌کند و این توقف باعث تشکیل حباب‌های میکروسکوپی با ابعاد متفاوت در داخل سلول‌های عصبی می‌شود. حباب‌ها باعث تحلیل تدریجی و مزمن سلول‌ها می‌شوند. نوع ضربه و جهت ضربه هم تفاوت چندانی ندارد. با تمام ابزارها و کلاه‌های مختلف هنوز نتوانسته‌اند جلوی این افزایش سرعت ناگهانی را که حاصل حرکت سر روی گردن به‌دنبال ضربه است، متوقف کنند و حتی به نظر می‌رسد شکسته‌شدن جمجمه تا حدود زیادی می‌تواند از شدت ضربه بکاهد. اینکه حقیر به‌عنوان متخصص مغز وظیفه دارم با ورزش‌های این‌چنینی مقابله کنم، به‌جای خود، اما این یادداشت هدف دیگری هم دارد. بسیاری از دوستان، تشنجات و تلونات اجتماعی و سیاسی را به بیماری صرع تشبیه می‌کنند. اگرچه شاید مقایسه بیولوژی با به‌اصطلاح سوسیولوژی مقایسه دقیقی نیست، ولی در بیماری صرع در درجه اول باید جنس خاصی از مغز به ارث رسیده باشد؛ بیش از ۹۰ درصد مردم تقریبا در هیچ شرایطی دچار تشنجات مکرر نمی‌شوند؛ مثل تفاوت‌های جوامع که شیوه‌های اعتراض متفاوتی دارند. در مرحله دوم یک صدمه دور یا نزدیک بر پوست یا قشر مغز الزامی است که می‌تواند ضربه‌ای در کودکی باشد. جامعه هم باید زخم یا زخم‌هایی خورده باشد تا یک روز درگیر تشنج شود. با حضور هر دو عامل گفته‌شده هم، بیمار هر روز و هر لحظه تشنج نمی‌کند. آنچه باعث تشنج ۳۰ثانیه‌ای هر هفته یک‌بار می‌شود، عامل سومی است که شناسایی آن بسیار دشوار است تا حدی که بروز تشنج را کاملا غیرقابل پیش‌بینی می‌کند. باز هم مثل تشنجات اجتماعی که می‌بینیم یک جرقه کوچک غیرقابل‌پیش‌بینی گاه باعث چه انفجارهای اجتماعی بزرگی می‌شود! آنچه می‌خواهم اضافه کنم، شباهت مسائل و مشکلات اجتماعی؛ همان زخم‌های نوع دوم با تعریف گفته‌شده است که به‌واسطه همین CTE در تن اجتماع وارد می‌شود. ضربات و زخم‌ها می‌توانند خفیف یا گاه مثل فوتبال آمریکایی حتی لذت‌بخش باشند، اما با هر ضربه کوچک، حبابی در سلول‌های مغز یا جامعه پدید می‌آید که رفته‌رفته شخص یا جامعه را فرسوده و بر رفتار و واکنش‌هایش تأثیر می‌گذارد. ممنوعیت بوکس به‌مراتب آسان‌تر است تا حفظ جامعه از آسیب‌های مداومی که انبار می‌شوند تا یک روز سر باز کنند؛ آسیب‌های مداومی که ممکن است حاصل تک‌تک رفتارهای غیرعقل‌گرایانه، اما عادت‌شده همه ما مردم و مسئولان باشند!